

ادامه از صفحه اول

بازرسی بدنی و کلا و کارشناسان دادگستری

جواب آن واضح و روشن است زیرا اگر امر دفاع از حقوق حقه موکل بر وکیل واجب تلقی شود مراجعه به دادگستری و ورود به آن جهت امر دفاع، مقدمه واجب محسوب می‌شود. که به اجماع علمای اصول، مقدمه واجب، واجب است زیرا عقلا و در راس همه عقلا شارع مقدس مقدمه واجب را واجب می‌داند (بنگنید به کفایه‌الاصول و اصول فقه مطفر).
بخشنامه شماره ۱۷۸/۸۶۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۹/۷ رئیس محترم سابق قوهقضاییه شایان توجه و ذکر است. «نظر به اینکه حفظ احترام و کلاّی دادگستری که در جهت ایجاد زمینه برای احقاق و اجرای عدالت فعالیت می‌کنند، لازم است به این وسیله توجه عموم قضات محترم به این موضوع جلب می‌شود که نسبت به رعایت شوون و کلاّی دادگستری اهتمام ورزیده به‌طوری که در هنگام مراجعه به مراجع قضایی و انجام وظایف قانونی خود از اقداماتی که مناسب با شغل آنان است،برخوردار شوند.بدیهی است چنانچه وکلی از حدود متعارف و کالت خارج شود باید مراتب را با ذکر مورد مستدلا به مرجع ذی‌ربط انعکاس دهد».
در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حقوق ملت) اصل ۲۲ چنین‌می‌فرماید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» اصل ۳۵ چنین‌می‌فرماید: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوای حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود»؛
اصولا وکلا و کارشناسان دادگستری، در جهت ایجاد زمینه برای احقاق حق و اجرای عدالت فعالیت می‌کنند و حتی آرای قضات دادگستری بعضا متکی به اظهارنظر کارشناسان دادگستری و بر مبنای آن اصدار می‌شود و در اکثر پرونده‌های مطرحه در دادگستری به‌لحاظ فنی و تخصصی بودن مساله جلب نظر به اهل خبره و کارشناس ضروری است. وکلاّی دادگستری نیز به‌عنوان یکی از دو بال فرشته عدالت در جهت احقاق حق و رفع ظلم از مستدیدگان این آب و خاک فعالیت گسترده و منسجم دارند و همکار قضات محترم هستند بنابراین بخشنامه‌های صادره از ناحیه حفاظت و اطلاعات دادگستری با قائلن صدرالاشاره و بخشنامه صدرالاشعار همخوانی ندارد که جا دارد هیات‌مدیره کانون وکلاّی دادگستری مرکز و هیات‌مدیره کانون کارشناسان استان تهران در اقدامی منسجم و حساب‌شده به نمایندگی از سوی وکلا و کارشناسان در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تقاضای ابطال آن را از دیوان‌عالی‌داری به‌لحاظ خروج از حدود اختیارات مقام صادرکننده بخشنامه‌ی‌کنند.

شرق: صبح دیروز آیت‌الله «محمدرضا مهدوی‌کنی»، رئیس‌مجلس‌خبرگان‌رهبری پس از نزدیک به پنج‌ماه «کما» درگذشت. آیت‌الله مهدوی‌کنی ۱۴ خرداد امسال پس از بازگشت از مراسم سالگرد ارتحال حضرت‌امام(ره) در منزل دچار عارضه قلبی شده و به بیمارستان منتقل شده بود. به گزارش «ایرنا» دانشگاه‌امام‌صادق(ع) با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «بیکر آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی روز پنجشنبه ساعت ۸:۳۰ صبح پس از اقامه نماز به امامت مقام‌معلم‌رهبری در دانشگاه تهران به سمت حرم حضرت‌عبدال‌عظیم‌جسنی تسبیح می‌شود.» همچنین مراسم یادبود در گذشت مرحوم «مهدوی‌کنی» شنبه هفته آینده ساعت ۱۵:۳۰ در حسینیه امام‌خمینی(ره) با حضور مقام‌معلم‌رهبری برگزار می‌شود. مراسم دیگری نیز روز یکشنبه ساعت ۱۵ تا ۱۷ در دانشگاه‌امام‌صادق(ع) برگزار خواهد شد.

پیام تسلیت مقام‌معلم‌رهبری در پی در گذشت حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی: این عالم مجاهد و پارسا از نخستین مبارزان راه دشوار انقلاب و از وفاداران غیور و صادق امام بزرگوار بود. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام‌معلم‌رهبری: در پی ارتحال عالم مجاهد و پارسا حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رضوان‌الله‌علیه، مقام‌معلم‌رهبری در پیام تسلیتی، با اشاره به نقش آفرینی شجاعانه این یار صادق و وفادار امام بزرگوار در همه عرصه‌های مهم کشور، تأکید کردند: این انسان بزرگ و پرهیزگار، همه‌جا و همه‌وقت در موضع یک‌عالم دینی و یک‌سیاستمدار صادق و یک‌انقلابی صریح ظاهر شد و همه وزن وزین خود را در همه حوادث این سال‌ها در کفه حق و حقیقت نهاد. متن پیام تسلیت مقام‌معلم‌رهبری به این شرح است: «بسم‌الله الرحمن‌رحیم: با تأسف و تأثر اطلاع یافتیم که عالم مجاهد و پارسا حضرت آیت‌الله آقای حاج‌شیخ محمدرضا مهدوی‌کنی رضوان‌الله‌علیه دار فانی را وداع گفته و دوستان و ارادتمندان خود را داغدار کرده است. این عالم بزرگوار از جمله نخستین مبارزان راه دشوار انقلاب و از چهره‌های اثرگذار و باران صمیمی نظام جمهوری‌اسلامی و از وفاداران غیور و صادق امام بزرگوار بود و در همه عرصه‌های مهم کشور در دوران انقلاب شجاعانه و با صراحت تمام نقش آفرینی کرد. از عضویت در شورای انقلاب و سپس تشکیل کمیته‌های انقلاب در آغاز تأسیس نظام اسلامی تا تصدی وزارت کشور و سپس قبول نخست‌وزیری در یکی از سخت‌ترین دوران‌های جمهوری‌اسلامی، و تا ورود در عرصه تولید علم و تربیت جوانان صالح و تأسیس دانشگاه امام‌صادق(ع) و تا امامت‌جمعه تهران و سرانجام ریاست مجلس خبرگان، همه‌جا و همه‌وقت در موضع یک‌عالم دینی و یک‌سیاستمدار صادق و یک‌انقلابی صریح ظاهر

پیام تسلیت مقام‌معلم‌رهبری

شد و هرگز ملاحظات شخصی و انگیزه‌های جناحی و قبیله‌ای را به حیطه فعالیت‌های گسترده و اثرگذار خود راه نداد. این انسان بزرگ و پرهیزگار، همه وزن وزین خود را در همه حوادث این دهه‌سال در کفه حق و حقیقت نهاد و در دفاع از راه و سیره انقلاب و نظام، کوتاهی نورزید. رحمت و رضوان‌الهی بر روان پاک او باد. اینجانب به خاندان گرامی و برادر عالیقدر ایشان، و به مردم ایران و روحانیت عظیم‌الشان و همه ارادتمندان و شاگردان و دست‌پورندگان آن مرحوم صمیمانه تسلیت می‌گویم و علو درجات وی را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.»

در پی درگذشت آیت‌الله «مهدوی‌کنی» رئیس مجلس خبرگان رهبری، حجت‌الاسلام‌والمسلمین «حسن روحانی»، رئیس‌جمهوری در پیامی ضمن اعلام دروز عزای عمومی در سراسر کشور، در گذشت ایشان را به مقام‌معلم‌رهبری، مجلس خبرگان رهبری، حوزه‌های علمیه و دانشگاه، خاندان مکرم آن مرحوم، جامعه روحانیت و خانواده انقلاب و ملت بزرگ ایران تسلیت گفت. حجت‌الاسلام‌والمسلمین «سیدمحمد خاتمی» رئیس‌جمهوری پیشین ایران نیز با صدور پیامی درگذشت آیت‌الله مهدوی‌کنی را تسلیت گفت. همچنین آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی، رئیس قوهقضاییه،آیت‌الله «هاشمی‌شاهرودی»، نایب‌رئیس مجلس خبرگان رهبری؛ رئیس مجلس؛ شورای نگهبان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری‌اسلامی، معاون اول رئیس‌جمهوری؛ حجت‌الاسلام«سیدحسن خمینی»، دبیر شورای امنیت‌ملی؛ معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی‌اتمی؛ «محمدرضا عارف»، وزیر کشور؛ جبهه‌پایداري، و «محمود احمدی‌نژاد»، مجمع روحانیون مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه، حزب مؤتلفه اسلامی، رئیس، قضات و کارکنان دیوانعالی کشور در پیام‌های جداگانه‌ای درگذشت آیت‌الله«مهدوی‌کنی» را تسلیت گفتند.

سیاست

رئیس‌جمهور ۲ روز «عزای عمومی» اعلام کرد

درگذشت آیت‌الله مهدوی‌کنی

نگاهی به زندگی آیت‌الله مهدوی‌کنی

مرحان توحیدی: آیت‌الله مهدوی‌کنی درگذشت: رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس دانشگاه امام صادق(ع)، مردی که به «نامه» شیخ‌گرایِ یک جریان سیاسی یعنی اصولگرایی تبدیل شده بود، او که در سال‌های اخیر بیشتر در قامت یک ریش‌سفید در فضای سیاسی کشور ایفاي نقش می‌کرد، در برهه‌های حساسی از تاریخ سیاسی ایران بعد از انقلاب، حضور پررنگی داشت؛ به عبارت دیگر اگر مقاطع قبل از پیروزی انقلاب و اوایل انقلاب را در نظر بگیریم، آیت‌الله از خرداد ۷۶ به این‌سو، در بزرگه‌های که احساس خطر می‌کرد، وارد عرصه می‌شد. نمونه این بزرگه‌ها بعد از خرداد۷۶، تلاش همراهان آیت‌الله برای ایفای نقش او در قامت ریش‌سفید در انتخابات‌های مختلف بود اما مهم‌تر از همه، نامزدی آیت‌الله مهدوی‌کنی برای انتخابات هیأت‌ریسه خبرگان در سال۸۹ بود. تا قبل از آن، هاشمی‌رفسنجانی از سال۶۶ و بعد از مرگ آیت‌الله مشکینی در رقابت با احمد جنتی به ریاست خبرگان رسیده بود اما آن سال هاشمی اعلام کرد اگر آیت‌الله مهدوی‌کنی نامزد شود وی در رقابت حضور خواهدداشت.

از تولد تا کفالت نخست‌وزیری
آیت‌الله ۸۳ساله مردادماه سال ۱۳۱۰ در «کن» از توابع تهران به دنیا آمد و تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه قم و نزد استادانی از جمله امام(ره) پشتسر گذاشت. آیت‌الله مهدوی‌کنی پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۴۰، در مدرسه مروی به تدریس علوم حوزوی مشغول شد و از سال ۱۳۴۲ امامت جماعت مسجد جدیدالتأسیس جلیلی در میدان فردوسی را پذیرفت. این مسجد پایگاه مناسبی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی او شد. مبارزات آیت‌الله مهدوی‌کنی علیه رژیم پهلوی، باعث دستگیری‌های متعدد او از سوی رژیم گذشته شد. نقش پررنگ آیت‌الله بلافاصله پس از پیروزی انقلاب آغاز می‌شود. آیت‌الله مهدوی‌کنی پیش از پیروزی انقلاب از سوی امام(ره) به عضویت «شورای انقلاب» در آمد و عضو کمیته استقبال از حضرت امام‌خمینی(ره) شد. پس از پیروزی انقلاب نیز سرپرست کمیته انقلاب اسلامی به‌عنوان اولین نهاد انقلابی مسلح برای حفظ انقلاب بود. مهدوی‌کنی در کابینه موقت شورای انقلاب، وزیر دادگستری بود. بعد از آن در کابینه محمدعلی رجایی، وزیر کشور شد و البته همین پست را هم در کابینه محمدجواد باهنر به ریاست‌جمهوری رجایی عهده‌دار شد. بعد از حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری در سال ۶۰ و شهادت شهیدان رجایی و باهنر، مهدوی‌کنی کفیل نخست‌وزیری شد. مهدوی‌کنی خود روایت انفجار دفتر نخست‌وزیری را چنین شرح داده بود: «من هم باید در آن جلسه حضور پیدا می‌کردم ولی بر اثر خستگی چنددقیقه دیر از خواب بیدار شدم و هنگامی که سوار ماشین شدم… اعلام شد در دفتر نخست‌وزیری انفجار رخ داده است.» آیت‌الله بعد از آن، عضویت فقه‌ای شورای نگهبان را به مدت دو دوره برعهده داشته است، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی به حکم امام‌خمینی(ره)، عضویت در شورایعالی انقلاب فرهنگی، مسوول ستاد رسیدگی به مناطق جنگ‌زده، عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی، عضویت در مجمع‌تشخیص‌مسئله‌ت نظام و ریاست مرکز رسیدگی به امور مساجد از دیگر مسوولیت‌های آیت‌الله مهدوی‌کنی بود.

دبیر کل جامعه روحانیت مبارز

مهدوی‌کنی عضویت و بعدها دبیر کلی یکی از تشکل‌های بانفوذ سیاسی را هم برعهده داشت، او به همراه شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعبدلکریم موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی از اعضای هیات‌موسس جامعه روحانیت مبارز به‌شمار می‌رفت. تشکلی که نقش قابل توجهی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت. مهدوی‌کنی در سال ۱۳۶۰ به‌صمت دبیر‌کلی این تشکل سیاسی رسید. تشکلی که دست‌کم تا زمان انتخابات مجلس پنجم، یکی از تشکل‌های

مهدوی‌کنی عضویت و بعدها دبیر کلی یکی از تشکل‌های بانفوذ سیاسی را هم برعهده داشت، او به همراه شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعبدلکریم موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی از اعضای هیات‌موسس جامعه روحانیت مبارز به‌شمار می‌رفت. تشکلی که نقش قابل توجهی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت. مهدوی‌کنی در سال ۱۳۶۰ به‌صمت دبیر‌کلی این تشکل سیاسی رسید. تشکلی که دست‌کم تا زمان انتخابات مجلس پنجم، یکی از تشکل‌های

بیانیه سپاه به مناسبت ار تحال آیت‌الله مهدوی‌کنی

ایستاد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای، ارتحال آیت‌الله «محمدرضا مهدوی‌کنی» رئیس‌مجلس‌خبرگان رهبری را تسلیت گفت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «تاریخ انقلاب اسلامی بیانگر نقش آفرینی‌های سترگ و شجاعانه آیت‌الله مهدوی‌کنی(ره) در عرصه‌های گوناگون نیاز انقلاب و نظام است به‌گونه‌ای که وی به‌عنوان یکی از پیشگامان مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی و از طلایه‌داران دفاع از اسلامیت و جمهوریت نظام و خدمت ارز‌شمنند و موثر برای کشور و ملت ایران به شمار می‌رفت.»این بیانیه می‌افزاید: «حضور بهنگام و به‌موقع در صحنه حوادث و وقایع روزگار انقلاب و اتخاذ مواضع انقلابی و قوام با درایت و وزانت و منطبق با اخلاق و ولایت‌مداری، این عالم مجاهد را به شخصیتی معتمد و راهنما برای آحاد جامعه اسلامی، به‌ویژه حوزه و دانشگاه تبدیل کرده بود به گونه‌ای که نگاه وحدت‌آمیز و همراه با ایفای انقلابی‌گری ایشان به مسایل سیاسی اجتماعی کشور، منشوری الهام‌بخش

آینده

انتقاد

سررمقاله: «اسیدی که بر چهره جامعه پاشیده می‌شود»

ما با یک بحران روبه‌رو هستیم. این بحران که در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که برخی افراد به نام دین، بدترین و ضددین‌ترین رفتارها را انجام می‌دهند و نه تنها دنیا و آخرت خود را نابود می‌کنند بلکه یک کشور و ملت را در معرض ناامنی و نیز قضاوت بد و ناخوشایند جهانیان قرار می‌دهند. در این صورت اسیدی که بر چهره زنان اصفهانی پاشیده شده، به معنای دقیق بر چهره جامعه و تکت‌ما پاشیده شده است. لازم بود همان زمانی که قتل‌های محفلی کرمان و موارد مشابه رخ داد به این مساله بیشتر و عمیق‌تر پرداخته می‌شد. فراموش نکنیم که عللمان این جنایت‌ها هم به نوعی قربانی جهل و سوءمدیریت ما هستند.

جمهوری اسلامی

سررمقاله: «میراث شوم منافقین»

متأسفانه اسیدپاشی این روزها در حال تبدیل‌شدن به یک‌روش برای تأمین اهداف و اغراض شخصی و حتی در مواردی مثل آنچه در اصفهان رخ داده در حال تبدیل‌شدن به یک ابزار برای مخدوش‌ساختن چهره دین است. بعضی زنان‌ها و قلم‌ها همواره در حال ترویج فرهنگ خودسری هستند. قضاوت‌های خودسرانه درباره موضوعات مختلف و صادر کردن احکام مرگ و زندان و شلاق و تکفیر و ارتداد برای این و آن توسط افرادی که نه در منصب قضا هستند و نه مسوولیتی درباره موضوعاتی که درباره آنها سخن می‌گویند و می‌نویسند برعهده دارند، بسیار خطرناک است. این غیرمسوولانه سخن‌گفتن‌ها و غیرکارشناسانه نوشتن‌ها، عده‌ای را به اقدامات خودسرانه تشویق می‌کند و آنها را به میراث‌داران منافقین تبدیل می‌نماید. شاید این افراد، داناتا اهل اقدامات خلاف نباشند ولی آن اظهارنظر‌ها، آن سخنان و آن نوشته‌ها آنها را به این راه انحرافی می‌کشاند زیرا احساس وظیفه دینی می‌کنند که مرتکب چنین اقداماتی بشوند درحالی‌که دین از این قبیل امور میرا و حتی بیزار است.

ایران

یادداشت: «تامل در حوادث اصفهان از منظر منافع ملی»

چه کسانی بوده‌اند؟ چه انگیزه‌ای داشتند؟ جعبه‌سیاه حوادث زنجیری‌ای اسیدپاشی در اصفهان با پاسخ به این دوپرسش باز می‌شود… این حوادث افزون بر اینکه چند زن خانواده‌ایشان را قربانی کرده است، شایک بزرگ‌تری هم دارد و آن مدعی‌العموم است‌که اسیدپدین مهم‌ترین سرمایه داشته ملی و اجتماعی را برنمی‌تابد. این سرمایه احساس امنیت اجتماعی است که محرک و عامل پویایی و سرزندگی جامعه است.

کیتان

تیتیر یک: «اسیدپاشی به چهره حجاب، موج‌سواری ضدانقلاب»

ماجرای اسیدپاشی‌های اصفهان… در روزهای اخیر، موضوع رسانه‌ها و محافل شده و … در این هیاهو اصل موضوع، یعنی آسیب‌دین چند اسان بی‌گناه، عملا به پوته فراموشی سپرده و موضوع تازهای پیش کشیده شد. موضوعی که آشکارا حکایت از یک سناریو داشت- سیاست‌سناریوی پیوند عاملان حادثه اسیدپاشی با حامیان حجاب و عفاف در جامعه! – زنجیره‌ای‌ها برای تکمیل سناریوی خود و نسبت‌دادن این رفتار غیرانسانی به قشر مومن جامعه جاری نداشتند جز اینکه آسیب‌دیدگان را بی‌حجابیا معرفی کنند… این دروغ انقدر تکرار شد که کم‌کم حسی به مخاطب فرصتی برای اندیشیدن و پرسش از آمار این حوادث داده نشد… قطعا این موضوع از یک جریان هدفمند و حساب‌شده حکایت دارد. فراموش نکردیم که وقتی چندتن مفتضح و هرهزه در شهر مقدس قم با وضع رزنده دستگیر شدند، صریحا اقرار کردند که توسط افرادی مامور بودند که در قبال اخذ پول با وضع رزنده در شهر تردد کنند تا تبع این امر را بشکندند! روی دیگر آن سکه را امروز در حمله به نیروهای ارتشی و مومن شاهدیم… برخلاف ادعای دروغگوینان و مدعیان، مسلمانان مومن و باشرافت، هرگز دست به رفتارهای غیرانسانی اینچنینی نزده و بر عکس همیشه قربانی این نوع رفتارها بوده‌اند. زمان زیادی از شهادت شهیدعلی خلیلی نگذشته است که در راه دفاع از ناموس یک زن مسلمان به شهادت رسید. جای تردید نیست، آنها که مومن و مسلم‌اند عقلا و شرعا، میرا از این رفتارهای غیرانسانی هستند و در اتفاقات اخیر، شاکیان اصلی ماجرا هستند.



یادداشت: «اسیدپاشی به چهره انقلابی‌ها»؛ محمد اسماعیلی

جریان دوم‌خرداد در سال۷۷ در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای، وزارت اطلاعات را مورد حمله قرار داده و آن را به‌شدت تضعیف کرده»، «در اوایل سال ۷۸ در ماجرای غائله مشکوک کوی دانشگاه به سراغ نیروی انتظامی رفت و این نهاد را به سیبل حملات خود قرار داده»، «در همین سال بازی ترور حجابیان آن هم توسط سعید عسگر که اصلاح‌طلبان سعی داشتند وی را یکی از فعالان بسیج نشان دهند جهت حکومتی از فرماندهی بسیج و همراهی و «پروژه نوارسازان جهت تخریب وجهه نیروهای حزب‌اللهی» هگکی با دوهدف «حمله به نیروهای مومن و وفادار به انقلاب» و «تخریب نهادهای وابسته به نظام» صورت گرفته بود. البته تلاش برای اسیدپاشی علیه انقلابیان، آن هم به‌وسیله حادثه اسیدپاشی در اصفهان در حالی صورت می‌گیرد که رهبری در تیرماه اسال در دیدار مسوولان نظام با این‌دندنگری نسبت به اینگونه اقدامات تأکید می‌کند: «من می‌بینم در صحنه سیاسی کشور؛ با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی می‌کنند جریان مومن را، کنار بزنند…» پدرخوانده‌های جریان هواخواه غرب در داخل، یکسال مانده به انتخابات دهم مجلس «اتاق فکر» خود را به اتاق عملیات، تغییر کاربری دادند.